حدیث

امام علی علیه‌السلام: ألا و إنَّ هذا الیَومَ یَومٌ جَعَلَهُ اللّه لَکُم عیدا و جَعَلَکُم لَهُ أهلاً، فَاذکُرُوا اللّه یَذکُرکُم وَ ادْعُوهُ یَستَجِب لَکُم

امروز (روز عید فطر) روزی است که خداوند آن را برای شما عید قرار داد و شما را نیز شایسته آن ساخت؛ پس به یاد خدا باشید تا او نیز به یاد شما باشد و او را بخوانید تا خواسته‌هایتان را اجابت کند.

کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۷

«اخلاص» به «پیشانی» نیست !

بربال ملائک

ابوالقاسم حسینجانی

«دنیا» چیست؟!

بستگی دارد به خود شما. هم «این» می‌تواند بود و هم «آن».

دنیا، یک تله موش است. یک تله چرب و چیلی و گیرا، برای گرفتن و گیراندنی جانکاه؛ در میدانگاهی لب به لب، از دامگاه: برای موش مرده‌های شکمباره تن آسای همه چیز خواه... و یا، یک کمان است. یک کمان آرشانه و مصممانه. یک کمان «رنگین» تر از آفتاب و آفاق؛ در گسترابی همه چیز تمام، برای در کمین نشسته‌های هوشمند و هوشیار. این خودتان هستید که سهم و اندازه و «بازه» خویش را، از «دنیا» می توانید مهندسی و اندازه‌سازی کنید. «معنای زندگی» ازخود «زندگی» مهم‌تر است...

[ولا تنس نصیبک من الدنیا...] - قرآن/قصص، ۷۷ - سهم تو از «زندگی دنیا» چیست؟

هرچه باشد، من که می گویم «تردید»، ایستگاه درخوری نمی‌تواند بود. چاره کار، «تردد» است. معنای زندگی، در «راه رفتن» - در راه «رفتن» است - که اتفاق می‌افتد. این «رفتار» آدمی است که به زندگی اش، معنا می‌بخشد...

دنیای‌تان را بزرگ کنید.

تنها با داشتن وسعت نظر است که می‌شود از عهده کارهای وسیع برآمد. شکستن و شکست خوردن و پذیرای شکست شدن، فقط در دنیای کوچکان و کوچک اندیشان و ناباوران و کوتوله‌های ذهنی، واقعیت می‌تواند داشت: [چرخ، برهم زنم ار، جز به «مراد»م گردد! من نه آنم که «زبونی» کشم، از چرخ فلک...] - حافظ - تا ما بعضی چیزها را «ترک» نکنیم، بعضی چیزها را نمی‌توانیم «درک» کنیم. مگر می‌شود «جهنم» را- از هر سوی و سمت تنگ نظری و کناره‌گیری و حقارت‌پذیری - ترک نکرد، اما «بهشت» را - با همه وسعت و بلندای پیروزی و ناپیداکرانگی و بی‌شماری و بالندگی - درک کرد؟! همه چیز از ذهن و زبان و دل و درون مان آغاز می‌شود.

تا ما - خودمان - به «انگیزه» و «تصمیم» و «نگاه» و «نگره» تازه‌تری نرسیم، به هیچ وضعیت و اوضاع بهتر و تازه تری هم، نمی توانیم رسید. پیامبر عزیز اسلام می‌گفت: [ان‌الله لاینظر الی صورکم و اعمالکم، بل ینظر الی قلوبکم و نیاتکم!] خدا، به چهره‌ها و کارهایتان، نگاه نمی‌کند؛ بل، به دل‌ها و انگیزه هایتان، می‌نگرد! هر آنچه «در سر» است، باید بر «خاک» افکند و نه فقط «سر» را: «صدق» پیش آر، که: «اخلاص»، به «پیشانی» نیست! «ریشه» و «رکن» هر عبادت و عملی - در دین و مناسک دینی- «نیت» و «انگیزه» ای است که آدم در سر دارد... «نیت»، «رکن» است. تفاوت درختان، در شاخه‌های «فرعی» نیست، در ریشه‌های «اصلی» است. عبادات و اعمال، عین همان درختانی اند، که در انگیزه و نیت و هدفمندی شان، «ریشه» دارند... چرا «نماز» خواندی؟ چرا «روزه» گرفتی؟ چرا «کاندیدا» شدی؟ چرا «رأی» جمع کردی؟ چرا به هر دری زدی، تا «رئیس» شدی؟!...چرا، چرا، چرا؟!...

دلهره و نگرانی ریشه‌ای پیامبر، همین ریشه‌هایی است که نیست: [انی لا اخاف علیکم فی ما لاتعلمون، و لکن انظروا: کیف تعملون، فی ماتعلمون!] - نهج الفصاحه/ش ۹۵۹ - من، نگران چیزهایی که نمی‌دانید، نیستم؛ اما باید دید همان چیزهایی را که می‌دانید، «چه گونه» به کار می‌گیرید! اگر می‌خواهید وضعیت و اوضاع تان، تغییر کند، حال و قال و اعمال‌تان را - هم- باید تغییر دهید.

هرچه را بیندیشید و بگویید، همان خواهد شد!

این همه نگوییم: «به جهنم»!

این همه نگوییم: «نفرین بر این/نفرین بر آن»...این همه «مرگ، مرگ» نکنیم!... پس جایگاه «بهشت» کجاست؟ پس تکلیف «زندگی» چه می شود؟!

پس «درود» و «سلام» و «آفرین» را، چه باید کرد؟! بیایید دنیای‌مان را بزرگ کنیم. بیایید بگذاریم، «دنیا» به سلامت برسد!

بیایید بگذاریم، دنیا به مهربانی و همزبانی برسد.

پیامبر مهربان و دلسوز جهان مان، که همه حواس او- همیشه خدا- به همه‌مان بود، در یک قاعده راهبردی روشن، چه خوش می‌گفت: [اصلحوا دنیاکم؛ واعملوا لآخرتکم، کانکم تموتون غدا!] - همان/ش ۳۱۹ - «دنیا»تان را، رو به راه کنید؛ و کارهایتان را، برای «آخرت»، چنان نهایی‌سازی کنید؛ که انگار «همین فردا»، رفتنی اید!

توسعه نگاه‌های راهبردی انسان، بهترین راهبرد، برای توسعه جهان ست. شیطان، همه جا هست. عین خون، در تمام رگ های انسان.

بیایید جلوی این دنیای رهاشده و شتابزده سردرگم و عنان گسیخته معصوم را بگیریم.

بیایید نگذاریم که دنیای به این قشنگی مان، برود به «جهنم»!... بیایید فکری به حال «بهشت» بکنیم!

عید فطر نشانه اقتدار و عزت مسلمین

حجت‌الاسلام محمدصادق کفیل
مدیر مرکز تخصصی صحیفه سجادیه

پایان میهمانی خدا و ضیافت الهی «عید فطر» است. عید توفیق بر طاعت و اطاعت، عید توبه و تهذیب نفس، عید ذکر و یاد محرومان و گرسنگان.

فطر چیدن میوه‌هایی است که در رمضان پرورش یافته است. پیروزی بر خصم درون، جشنی روحانی دارد به نام عید فطر که میثاق بستن با فطرت را از سوی روزه‌داران مجاهده گر اعلام می‌دارد. عید فطر، پاداش افطارهای خالصانه است. مهر قبولی انفاق‌های با قصد قربت و پایان‌نامه ایثار و گذشت در مسائل مالی است. فطر عید خداجویی، خداترسی و خداپرستی است. عید سعید فطر، عید سعادتمندان واقعی و روز شکوفایی استعدادهای معنوی و روحانی است.

■ تبیین دو واژه عید و فطر

عید در اصطلاح:

از دیدگاه علامه طباطبایی، عید نزد هر قوم و ملتی عبارت است از: روزی که در آن به افتخار موهبتی اختصاصی نائل آمده باشند.(المیزان، ج۶، ص۲۳۵)

بر این اساس، اعیاد ملت‌ها نسبت به یکدیگر متفاوت خواهد بود چنان که بسیاری از آنها روز استقلال و رهایی خویش از بند استعمار را به‌عنوان روز عید ملی تلقی کرده و در آن روز به شادی می‌پردازند.

بنابراین باید گفت: عید به معنای اصطلاحی اش یک سنت بشری است که جهت بزرگداشت حوادث مهم و سرنوشت‌ساز، هر سال تکرار می‌گردد. بنابراین منشأ عید نزد ملت‌ها، پیدایش تحولی مثبت و سازنده در سیر تکاملی آنان می‌باشد. در اسلام معیار ارزشگذاری برخی ایام به‌عنوان «عید»، از سه جنبه مورد عنایت قرار گرفته است:

ولادت رهبری از رهبران الهی (نظیر عید ولادت امامان معصوم)

انتصاب رهبری از رهبران الهی به مقامی بزرگ (نظیر عید مبعث و عید غدیر)

دگرگونی و تحولی سازنده در افکار و آرمان انسان‌ها (نظیر عید فطر)

■ فطر در اصطلاح:

روز اول شوال را عید فطر می‌خوانند، بدان سبب که در این روز، امر امساک از خوردن و آشامیدن از انسان برداشته شده و از مؤمنان خواسته شده که در آن روز روزه‌شان را شکسته و افطار کنند.

■ حقیقت عید فطر:

در روایات متعدد از عید فطر به‌عنوان «یوم الجوائز» یاد شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «وقتی اول شوال فرا می‌رسد منادی ندا بر می‌آورد، ای مؤمنان، اول صبح به سوی جایزه‌هایتان بشتابید.» سپس فرمود: «ای جابر، جوایز خداوند همان جایزه‌های پادشاهان نیست.» آنگاه فرمود: «این روز، روز جایزه است.»(من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۲۳)

عالم وارسته، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در این رابطه می‌فرماید: زمانی است که خداوند متعال برای جایزه دادن و بهره‌مند کردن بندگان از نعمت‌ها، آن را در میان روزها انتخاب می‌کند تا برای گرفتن خلعت‌ها و عطایا، جمع شوند و به همگان اعلام کرده است آنان که به درگاه خداوند روی آورده با اعتراف به بندگی و آمرزش خواستن از گناهان و عرضه نیازها و آرزوهایشان برای او تواضع نمایند. خداوند نیز در تمام این موارد به آنان وعده اجابت و اعطایی بالاتر از آرزوهایشان بلکه بالاتر از آنچه در دل بشری خطور کرده، داده است. خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه عبادت خود قرار داده و بندگانش را در روز عید فراخوانده تا برای گرفتن جوایز و هدایا جمع شوند. (المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث، ص۳۳۳)

در کلمات گوهربار امیرمؤمنان(ع) نیز، «عید فطر» تنها به کسانی اختصاص یافته که موفق به پیمودن مسیر مسابقه عبادت در ماه رمضان گردیده و نشان قبولی را از ناحیه خداوند متعال دریافت نموده‌اند.

«انما هو عید لمن قبل‌الله صیامه و شکر قیامه»(نهج البلاغه، حکمت۴۲۸)

«انما هذا عیدمن غفر له»(بحار، ج۴۰، ص۳۲۶)

بنابراین عید فطر برخلاف اعیاد دیگر عمومی و همگانی نبوده و تنها مختص عده‌ای خاص خواهد بود.

نتیجه آنکه حقیقت عید فطر و جوایز الهی در چنین روزی برای گروه‌های مختلف مردم در یک سطح نبوده بلکه جلوه‌های گوناگون آن متناسب با ظرفیت‌ها و استعدادهای آنان خواهد بود. به عبارت دیگر روز عید فطر زمان آشکار شدن آثار اعمال ماه رمضان و اعطای پاداش آنها نسبت به سالکان کوی دوست می‌باشد.

■ برکات عید فطر:

رحمت خدا در روز عید:

خداوند برخی از روزها را نسبت به روزهای دیگر پر برکت و نورانی ساخته است. زندگی انسان آمیخته از خوشی‌ها و سختی‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها است. همچنین در کنار دیگر روزها اعیاد الهی مانند ستاره‌های زیبا می‌درخشند. خداوند در روز عید، در رحمت خویش را به روی تمامی بندگان می‌گشاید، از این‌رو نه تنها نیکوکاران بلکه انسان‌های گنهکار فرصت دارند تا از بخشش و رحمت الهی بهره‌مند شوند.

امام سجاد علیه‌السلام پس از آنکه برترین و بالاترین عبادات را در ماه رمضان در حدی که در طاقت کسی نبود انجام می‌داد و شب و روز آن ماه را به دعا و مناجات و حال تضرع و زاری می‌گذراند، به نماز عید فطر حاضر می‌شد و پس از خروج از نماز به سوی قبله ایستاده و باحالی عارفانه و روحی خاضعانه و نفسی خاشعانه، با محبوب دل‌های با معرفت و قلوب با بصیرت مناجات می‌کرد و رحمت خدا را آن‌طوری که بود با زبان پاکش در ضمن مناجات به جامعه انسانی معرفی می‌کرد. حضرت در دعای ۴۶ صحیفه سجادیه به رحمت واسعه دوست نظر داشته و در توضیحش به خاطر اینکه حقیقتش را یافته بود، غوغا کرده است. (دیار عاشقان، شرح دعای ۴۶، استاد انصاریان)

امام می‌فرماید: «ای کسی که رحم می‌کند به کسی که بندگان به او رحم نمی‌کنند، ای کسی که می‌پذیرد کسی را که کشورها او را نمی‌پذیرند، ای آنکه نیازمندان درگاهش را حقیر و کوچک نمی‌شمرد، ای آنکه عمل کم را قدرشناسی می‌کند و پاداش بزرگ می‌دهد....»

اگر کسی را همه از خود برانند و وی را از هر جهت طرد کنند و تمام درها را به روی او ببندند و مهر و محبت خود را از او دریغ نمایند، ولی خدا وی را از خود نمی‌راند و طردش نمی‌کند و در رحمت را به رویش نمی‌بندد و عشق و محبتش را از او دریغ نمی‌دارد.

رحمت او بر عبد از قبیل رحمت عبد بر عبد نیست، رحمت عبد بر عبد از باب غرض و هدف خاص است، ولی رحمت عام او را هدف و غرض نیست، آقایی و کرامت و بزرگواری و لطفش اقتضا دارد در عنایت و این که محبتش به روی عبد باز باشد، به این نظر ندارد که عبد کیست و چیست، به این نظر دارد که جنبنده‌ای نیازمند و فقیری مستحق و دردمندی بیچاره است و باید چنین موجودی بر سر سفره عنایت و کرم قرار داشته باشد.

عبد اگر مؤمن باشد در رحمت خاص هم به روی او باز است و اگر غیر مؤمن باشد، رحمت خاص چون در وجود او جایی برای تجلی نمی‌بیند جلوه نمی‌کند، ولی به محض این‌که عبد بیدار شود و از عصیان و خطا برگردد، تجلی‌گاه رحمت خاص می‌شود و تمام سیئات گذشته‌اش در مدار مغفرت بخشیده می‌شود و در آسیاب محبت تبدیل به حسنه شده و آتش توبه هیمه گناه را سوزانده وخاکسترش را به باد می‌دهد.

آری، او می‌پذیرد کسی را که هیچ کشوری نمی‌پذیرد و هیچ سرزمینی قبول نمی‌کند، کشور رحمت و مملکت محبت و سرزمین مهر و لطف او، قبول می‌کند آن را که هیچ سرزمینی قبول نمی‌کند!

او نیازمند فقیر و مسکین مستکین و بیچاره گرفتاری را که به پیشگاهش حاجت می‌برد خوار نمی‌کند و تحقیرش نمی‌نماید و روحیه‌اش را نمی‌شکند، که نیازمند در پیشگاه حضرتش در عین فقر و نیاز، آبرومند است و از اعتبار و شخصیت برخوردار است و بی‌شک با استجابت دعای حاجتمند به آبرویش می‌افزاید و اعتبارش را در میان بندگان دوچندان می‌کند و وی را ملجأ و پناه دیگران قرار می‌دهد.

رحمت او که فقط مقتضای آقایی و بزرگواری اوست با انسان کاری می‌کند که دیگران را نسبت به آدمی در بهت و حیرت می‌برد و همه در برابر آن که متصل به رحمت است انگشت به دهان می‌مانند و از درک شخصیت و وضع انسان عاجز می‌شوند، خود انسان هم وقتی توجه به حقیقت پیدا می‌کند، خود را از بیانش ناتوان می‌بیند و از تفسیرش درمی‌ماند که مگر من کیستم که در عین این همه نقص و عیب و گناه و معصیت بدین صورت مورد لطف دوست قرار گرفته‌ام.

درگاهش درگاه نومیدی نیست، او وجود مقدسی است که الحاح کنندگان را نومید نمی‌سازد و دست رد بر سینه توقع داران خود نمی‌گذارد، هدیه بی‌مقدار عبد را که به‌صورت رابطه با او و عمل صالح و اخلاق حسنه است، برمی‌گزیند و کار اندک را سپاس می‌گزارد و عمل کم و کوچک را به لطفش قبول می‌کند و مزد عظیم و اجر بزرگ می‌دهد. (شرح دعای ۴۶، استاد انصاریان)

■ حیات طیبه در پرتو عید فطر:

امام سجاد علیه‌السلام روز عید فطر را روز بازگشت به خداوند می‌دانند و می‌فرمایند:

«خداوندا، در روز عید فطر که آن را برای اهل ایمان روز عید و شادی قرار دادی و برای اهل دین خود، روز اجتماع و همیاری مقرر فرمودی، ما به سوی تو باز می‌گردیم و از گناهانمان آمرزش می‌طلبیم.»(دعای ۴۵،صحیفه سجادیه، فراز ۵۲)

عید فطر فرصتی است برای آنکه انسان بتواند برای خود زندگی پاک و سالمی به وجود آورد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ماه رمضان و عید فطرهنگامی مبارک خواهد بود که مسلمانان بتوانند از این فرصت برای خودسازی و به وجود آوردن حیات طیبه در نفس خویش استفاده کنند و اصلاً از دیدگاه اسلام همه فرایض، احکام، تکالیف، واجبات و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، مقدمه‌ای برای تسلط بر نفس و زنده شدن روح انسانی در آحاد بشر است.»

عید فطر عید فطرت است، روزی است که انسان به فطرت پاک خود باز می‌گردد و به شکرانه این بازگشت به ستایش باریتعالی به جشن و سرور می‌پردازد. عید فطر روز بازگشت به خدا، اتصال و آسمان و عروج به عرش اعلی است. نمادی از پرواز انسان به ملکوت معنویت است.

■ روز اعطای جوایز و پاداش:

روز عید فطر روزی است که از سوی خداوند متعال میان مؤمنان جوایزی تقسیم می‌کنند. مؤمنانی که در ماه مبارک رمضان برای رضای خداوند روزه گرفته‌اند در این روز منتظر دریافت پاداش هستند.

حضرت علی(ع) در خطبه نماز عید فطر فرمودند: «روز عید فطر روزی است که نیکوکاران پاداش می‌گیرند و گناهکاران زیان می‌بینند.»

چه پاداشی برای مؤمنان بهتر از اینکه گناهانشان بخشیده شود و غرق رحمت خداوند شوند.

■ تزکیه در پرتو زکات فطره:

تزکیه یعنی پالایش روح از گناهان برای اوج گرفتن به ارتفاعات معنوی و دستیابی به کمالات انسانی. خداوند در بخشی از آیه ۲۱ سوره نور می‌فرماید:

«لولا فضل‌الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد ابدا ولکن‌الله یزکی من یشاء والله سمیع علیم.»

اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود، احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نمی‌شد، لیکن خدا هرکس را می‌خواهد منزه و پاک می‌گرداند و خدا شنوا و داناست. بنابراین تزکیه، مسأله‌ای است که جز با فضل و رحمت و سعی سالکان حاصل نمی‌شود. خداوند یکی از ثمرات و برکات مهم روز عید فطر را تزکیه قرار داده، یعنی کسانی که توفیق نیافتند طی یک ماه آنچنان که شایسته است روح خود را از آلودگی‌های خطاها و اشتباهات تطهیر کنند، فرصت دارند در این عید مبارک به تزکیه بپردازند؛ لذا در روایات ائمه می‌خوانیم خداوند شب عید فطر را همسنگ شب قدر در نظر گرفته است.

امام محمد باقر علیه‌السلام در این باره فرمود: پدرم علی بن حسین(ع) شب عید فطر را در مسجد می‌ماند و تا صبح نماز می‌خواند و شب زنده‌داری می‌کرد و می‌فرمود:«ای پسرم این شب کمتر از شب قدر نیست.»(الاقبال بالاعمال الحسنه، سید بن طاووس، ج ۱، ص۴۶۵)

با توجه به این موضوع یکی از احکام واجب روزه‌داران پرداخت زکات فطریه است که بر اساس متون دینی یکی از فلسفه‌های آن سلامتی جسم و پاکسازی روح از رذایل اخلاقی است.

در روایتی در تفسیر آیه ۱۰ سوره مبارکه شمس «قد افلح من زکاها» رستگار شد آن کسی که تزکیه کرد، آمده است: «منظور از تزکیه، زکات فطره است.» (مستدرک الوسایل الشیعه، ج۷، ابواب زکات الفطره، ص۱۳۷)

فردی که با آمادگی کامل به استقبال عید فطر می‌رود، کسی است که به سوی حق رفته و «من الحق الی الخلق» آمده است. سیر صعودی عبادت انسان را متوجه مخلوق می‌کند.

پذیرش رمضان زکات فطره است. بعضی تصور می‌کنند، در ماه رمضان از سحر تا افطار گرسنگی را تحمل کردم و همین کار نشان از عبادت و بندگی دارد. باید توجه داشت کسی که در مسائل اقتصادی، اجتماعی به فکر دیگران نیست و حرمت دیگری را رعایت نمی‌کند، نمی‌تواند بگوید روزه‌دار است. باید بداند که عید فطر یعنی دگربینی، ذوب در خالق شدن، مخلوق را دیدن و با او زندگی کردن، عید فطر یعنی برای دیگران رحمت بودن. اگر اینگونه نگاه کردیم، زکات فطره را به بهترین نوع‌اش پرداخت می‌کنیم.

قرآن می‌فرماید: «لن تنالو البر حتی تنفقوا مما تحبون»(آل عمران، ۹۲)

پیامبر خدا می‌فرماید: «زمانی که وارد مدینه شدم، اهالی آن شهر از زمان جاهلیت دو روز داشتند که طی آن دو روز به بازی و تفریح می‌پرداختند. خداوند به جای آن، دو روز بهتر به شما داد: روز فطر و قربان.»

با دقت و تأمل در این روایت، درمی‌یابیم این دو عید بزرگ متصل است به ایام با شرافت ماه مبارک رمضان و دهه اول ذی‌الحجه که درباب اهمیت آن در بعضی روایات آمده است: «شب‌های دهگانه قرآن «والفجر ولیال عشر» که به آن سوگند یاد شده و شب‌های دهه اول ماه ذی‌الحجه است.»

این دو عید بزرگ متصل است به ایام پر فضیلتی که ایام بندگی و وصال و قرب خداوند است، بعد از توجه به خالق ، آنچه مورد توصیه واقع شده، توجه به مخلوق است. بعد از ماه مبارک رمضان و یک ماه بندگی امر به پرداخت زکات فطره شده‌ایم، همچنین بعد از ایام با فضیلت ذی‌الحجه توصیه به قربانی و کمک به نیازمندان شده‌ایم، یعنی اوج توجه به خالق در توجه به مخلوق است.

پرداخت زکات فطره که با نیت عبادت و تقرب به خداوند متعال انجام می‌شود، نوعی بهره‌گیری از مادیات برای رسیدن به معنویات است.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«کسی که بتواند جان و روح خود را تزکیه و پاکسازی کند، به فلاح و رستگاری دست خواهد یافت و ادای زکات فطر نیز موجب طهارت انسان از دنانت، لئامت، حرص و بخل می‌شود.»

درس های زندگی (۱۲)

اصلاح ذات البین

دکتر منصور پهلوان
استاد دانشگاه تهران

یکی از کارهایی که در اخلاق اسلامی بدان تأکید فراوان شده است، آشتی دادن مردم یا به اصطلاح« اصلاح ذات البین» است.

اصلاح ذات البین به معنی آشتی دادن طرفین و ایجاد سازش و برطرف کردن کدورت‌ها است و نقطه مقابل آن اختلاف افکنی و دو به همزنی و نمّامی است.

در قرآن کریم در چند آیه از این اصلاح یاد شده و به انجام دادن آن ترغیب و تشویق شده است.

یکی در سوره حجرات آیه ۱۰ که می فرماید: مؤمنان برادران یکدیگرند، پس بین آنها سازش برقرار کنید (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَة فَأَصْلِحُوا بَینَ اَخَوَیکمْ)

دیگر در سوره نساء آیه ۱۱۴ که می‌فرماید: خداوند به کسانی که برای رضای خدا بین مردم، صلح و آشتی برقرار کنند، اجر عظیمی خواهد داد.

(اَوْ إِصْلَاح بَینَ النَّاس وَمَنْ یفْعَلْ ذُلِک ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ‌الله فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ اَجْرًا عَظِیمًا)

پیامبر گرامی اسلام نیز به اصلاح ذات البین توصیه فرموده و فضیلت آن را از نماز و روزه و صدقه برتر دانسته‌اند، چنانکه در حدیث أبی الدرداء آمده است: قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم: ألا أخبرکم بأفضل من درجه الصیام والصلاة والصدقه؟ فقالوا: بلی یا رسول الله.

فقال النبی صلی‌الله علیه وسلم: اصلاح ذات البین.

اما اصلاح ذات البین در نزد امیر مؤمنان به قدری دارای اهمیت است که در آخرین وصیت خویش و با فرق شکافته بدان سفارش می‌کنند و می‌گویند من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: سازش بین مردم از عموم نماز و روزه برتر است و به یقین اشاره امام علی علیه السلام به همان روایتی است که عامه نیز به سند خویش از ابی الدرداء نقل کرده‌اند.

امام علی علیه السلام در وصیت خویش فرموده‌اند: أوصیکما وجمیع ولدی وأهلی ومن بلغه کتابی بتقوی‌الله ونظم أمرکم، و صلاح ذات بینکم، فإنی سمعت جدکما صلی‌الله علیه وآله یقول: «صلاح ذات البین أفضل من عامه الصلاة والصیام » (نهج البلاغه نامه ۴۷)

در این کلام گرانقدر ابتدا به داشتن تقوا و داشتن نظم و ترتیب در کارها و لزوم صلح و آشتی در جامعه اشاره شده و سپس حدیث گرانقدر پیامبر اکرم نقل گردیده است.

مسأله دیگر چگونگی ایجاد اصلاح در روابط اجتماعی و اصلاح امور دنیایی است که همواره از دغدغه‌های اصلی ما محسوب می‌گردد.

علی علیه السلام در یک کلام کوتاه راه سامان بخشی این هر دو مسأله را نشان داده و فرموده است:

کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند، خدا رابطه ی او را با سایرین اصلاح کرده و سامان می‌بخشد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند، خدا امر دنیای او را اصلاح کرده و سامان خواهد داد.

مَنْ اَصْلَحَ مَا بَینَهُ وَبَینَ‌الله اَصْلَحَ‌الله مَا بَینَهُ وَبَینَ النَّاس، وَمَنْ اَصْلَحَ اَمْرَ آخِرَتِهِ اَصْلَحَ‌الله لَهُ اَمْرَ دُنْیاهُ.(نهج البلاغه حکمت ۸۶)

آری اگر کسی کارش را برای رضای خالق جهان هستی انجام دهد، روابط اجتماعی و امور دنیایی و بشری او اصلاح خواهد شد و خداوند یار و یاور او خواهد بود و به قول حافظ:

تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند